



ابوالفضل فاتح

کارشناس مسائل سیاسی

ملت در جست و جوی حاکمیت و حاکمانی بوده و هستند که این پنجگانه را به شکل متوازن و واقعی، هم باور داشته و هم محقق سازند، گرچه کمتر به ایدéal خود دست یافته‌اند. نیل به این مهم، نیازمند پذیرش حکمت در حاکمیت و سطوحی برجسته‌تر از عقلانیت جاری در کشور است. عقلانیتی که این عناصر بنیادی را به رسمیت بشناسد، اصلاح نظام اولویت‌ها و اهتمام به توسعه متوازن، بازگشت به قانون و مولفه‌های مورد وفاق ملت و گره گشایی و ایجاد امید به آینده را در صدر برنامه‌های خود قرار دهد و قادر به دروندیشی و ارائه «راه حل» باشد. جامعه از بی‌تدبیری‌ها و ناکارآمدی‌ها و مناقشات و بگو‌مگوها خسته، بسیار متاثر و کم‌امید از مسئولان، اما در تلاش برای بازیابی خود است و نیازمند رئیس‌جمهوری است که بتواند نظام امور و اولویت‌های کشور را به سامان برساند. انتخابات در یک کلام، یعنی امکان تغییر. اگر از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، اسقاط مناسبات سلطنتی بود، این مهم جز به تحقق انتخابات واقعی، به فرجام نخواهد رسید. کسانی که تصور می‌کنند، می‌شود انتخابات و جمهوری‌ت را تعطیل، اما فلسفه و اهداف انقلاب را حفظ کرد، دچار خیالی‌بافی‌اند. انتخابات واقعی، وقتی محقق خواهد شد که به مردم امکان تغییر در سیاست‌ها، عناصر و شیوه حکمرانی داده شود، ولو برای به تثبیت بدهند. انتخاباتی که در آن امکان تغییر نباشد، نامش هر چه باشد، انتخابات نیست و آثار انتخابات که حل و فصل همه احزاب و مدیریت تعارضات است، نیز بر آن متصور نخواهد شد. به رسمیت نشناختن منزلت جمهوری‌ت، و رویه شورای نگهبان در چیش با حذف بدون توضیح کاندیداها، نیازمند اصلاح اساسی است. شورای نگهبان نمی‌تواند از طرف همه احزاب و جریان‌ات اعمال قدرت کرده و برای آنان مهره چینی کند. بناسفاه شاهد هستیم که چنین اتفاقی پیوسته رخ می‌دهد و حتی حفظ ظاهر هم نمی‌شود، چنانکه در انتخابات مجلس و خیرگان نیز شاهد بودیم و ناگهان آقای روحانی و بسیاری دیگر حذف شدند. در انتخابات جاری نیز نه تنها بسیاری از اساس کاندیدا نشدند و بسیاری بی‌دلیل به صحنه آمدند، بسیاری از شخصیت‌ها از جمله آقای جهانگیری و لاریجانی و حتی شخصیت‌های جناح اصولگرا و دولت بدون توضیح کنار گذاشته شدند (چنانکه روزی مرحوم آقای هاشمی)، و در آرایش نهایی کاندیداها نیز رعایت انصاف نشده و پنج شخصیت در برابر یک شخصیت باگرایش متفاوت قرار گرفته‌اند. در کجای دنیا سراغ دارید که در مرحله نهایی انتخابات، به یک جریان پنج برابر جریان دیگر، کاندیدا تعلق گیرد؟ به دلایل فراوان سیاسی و اجتماعی و به دلیل غوطه‌وری در مشکلات و فقدان راه حل، ایران در عشش تغییر به سر می‌برد. مردم از آنچه بر ایران می‌گذرد و از تیخترها و نشنیدن‌ها خسته شده‌اند. هرگاه عشش تغییر بالاگرفته است، مردم به کاندیدایی که عناصر تغییر را ارائه داده، فوج فوج اقبال کرده‌اند و نتیجه تازه‌ای رقم زده‌اند و اگر چنین نبود، صندوق رازتک کرده‌اند. در نتیجه چنین شورای نگهبان، آرایش فعلی کاندیداها، مملو از شخصیت‌هایی است که با همه احترام، تاکنون ایده «تغییر» نداشته‌اند و تغییر را نمایندگی نمی‌کنند. آنان اگر سیره سابق را بربوند و در ادبیات و رویکرد خود تغییری نکنند، حداکثر همان میزان از مردم را به پای صندوق می‌کشاند که در انتخابات مجلس ریاست جمهوری سابق شاهد بوده‌ایم. آنان می‌توانند بر سر گرفتن سهمی از سبد آراء رئیس‌جمهور فقید مرحوم آقای رئیسی (حدود ۱۵ تا ۱۸ میلیون یا حداکثر مجموع آراء آقای رئیسی و رضایی و قاضی‌زاده) رقابت کنند و شاید همان راه تم بتوانند. نتیجه سه انتخاب قبلی مجلس ریاست جمهوری، کاستن از نصاب انتخابات به زیر ۵۰ درصد بوده است. تجربه نشان داد، عبور از مرز ۵۰ درصد، بدون حضور واقعی و همزمان تحول خواهان و کاندیدایی از جنس خودشان با احتمال برد میسر نخواهد شد. تنها نقش آفرینی واقعی و درصدی محسوس از احتمال برد است که می‌تواند انگیزه مشارکت ایجاد کند. از این رو به نظر می‌رسد، این بار نوعی انتخابات با نصاب بالاتر در دستور قرار گرفته است. به گونه‌ای که معادله دوسرپردی برای حضور کاندیدای اصلاح‌طلب و جریان همفکرش، و هم برای سیاست‌گذاران کشور باشد که در نتیجه کاندیدای اصلاح طلبان به مرزهای نقش آفرینی بالاتری از انتخابات قبلی دست یابد و در سوی دیگر انتخاباتی با مشارکت بالای ۵۰ درصد محقق شود. و ایده همین انتخابات جاری، اگر عشش مردم درک شود، و ایده و گفتگمان و شعار تغییر در این انتخابات به واقع ارائه شود، مجدداً، ملت می‌توانند شاهد احیای صندوق رای با نصابی منطقی بوده و طبیعتاً آنگاه هر میزان رای اضافه شود، سهم کاندیدای «تغییر» بیشتر خواهد بود. عرض شد که عشش به اصلاح، مردم را به کاندیدایی متمایز هدایت خواهد کرد. بر اساس سوابق دانشگاهی و سیاسی و اجرایی، شخصیت متفاوت آرایش فعلی انتخابات، آقای پزشک‌ان است که تنها نماینده اصلاح طلبان است. در کشور با بسیاری از ساختارها و مفاهیم بینایی است، و همچنین دوگانه‌های فراوانی شکل گرفته است، ایشان شخصیتی بینابینی دارد که به نوعی بین اصلاح طلبان و سیستم قرار می‌گیرد. ایشان به صداقت و پاکدستی و مردم دوستی و تدین مشهور است. حامیان ایشان بر این باورند که ایشان می‌تواند کسی باشد که با به دست گرفتن پرچم تغییر به نفع انسانیت، عدالت و آزادی، به کسانی که با صندوق قهر کرده‌اند، این احساس را منتقل کند که اگر کسی در جست و جوی اصلاح و تغییر است، تا حدی امکان واقعی آن در دسترس است. ایشان می‌تواند این تعلق را ایجاد کند که شکاف‌های کارآمدی و فساد و کم‌اقتی و فقر اندیشه را با میدان دادن شخصیت‌های کارآمد و سالم و صاحب فکر و برنامه و در تراز شخصیت‌های بزرگ دانشگاهی بر خواهد کرد، شخصیت‌هایی که در انحصار گرایي حکم حذف شده یا اینکه حضور راز دست داده‌اند. ایشان می‌توانند با شعارها و رویکردهای عدالتخواهانه و ضد تبعیض و حامیانه از طبقات عقب نگاه داشته شده و زنان و اقلیت‌ها، بخشی از جریان‌ات «پروگرسو» کشور را که از تنگ نظری‌ها به تنگ آمده‌اند، جذب و به صحنه وارد کنند.

مجید ابهری در گفت و گو با «آرمان ملی»:

شعار و وعده مردم را به پای صندوق هانمی‌کشاند



تاریخ مصرف شعارهای انتخاباتی به پایان رسیده

است

کاندیدای انتخاباتی برنامه خود را برای مهار

گرانی‌ها اعلام کنند



آرمان ملی - احسان انصاری: چگونه مردمی که در سه انتخابات گذشته مشارکت پایینی در انتخابات داشته‌اند را می‌توان به حضور در انتخابات ریاست جمهوری تشویق کرد؟ آیا وعده‌ها و شعارهای کاندیدای انتخاباتی می‌تواند زمینه‌های حضور مردم را فراهم کند؟ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری چه برنامه‌هایی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی دارند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مجید ابهری، جامعه‌شناس گفت و گو کرده است. ابهری معتقد است: «در شرایط کنونی اصلاح طلب یا اصولگرا بودن کاندیدای انتخاباتی حائز اهمیت نیست و بلکه آنچه اهمیت دارد تحقق خواسته‌های مردم است. امروز بخش‌هایی از

جامعه مدت‌هاست که گوشت را در سفره‌های خود نمی‌بینند و با شرایط سختی زندگی می‌کنند. به همین دلیل اگر وضعیت اقتصادی کشور به همین صورت باشد و تغییری در وضعیت زندگی مردم صورت نگیرد امید چندانی به حضور پررنگ مردم در پای صندوق‌های رای در انتخابات وجود نخواهد داشت. امروز با توجه به شرایط کشور کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی به دنبال این هستند که میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری به چه صورت خواهد بود تا درباره آینده تحلیل کنند. واقعیت این است که جامعه ایران از نظر رفتارشناسی سیاسی به حد اشباع از وعده‌ها رسیده است. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

صداقت و اعتقادات انقلابی هر نامزد فقط کارنامه خود فرد را مورد ارزیابی قرار دهدیم مبادا که حرکات و رفتارهای اطرافیان و نزدیکان ما را در قضاوت‌های تحلیلی دچار اشتباه نمایند. عزیزان به خاطر افزایش قدرت مقاومت بایبید مثل خیلی از مواقع قومیت‌گرایی را در صندوق امانات گذاشته و به سفره اتحاد ملی و وحدت میهنی رو نماییم. کشور ما را وحدت ملی در شرایط حساس تاریخی نجات داده و تفرقه افکنی و بدی شوم ترک و فارس و کرد و لر و عرب و عجم ترکمن و بلوچ و... با شنیدن برنامه شوم مفاپای تجزیه طلبان و جدایی افکنان است و ما به سختی از این نظریه بوسیده و شیطانی گریزاییم.

رئیس جمعی بعدی باید چه اولویت‌هایی را در دستور کار خود قرار بدهد؟

در شرایط کنونی اصلاح طلب یا اصولگرا بودن کاندیدای انتخاباتی حائز اهمیت نیست و بلکه آنچه اهمیت دارد تحقق خواسته‌های مردم است. امروز بخش‌هایی از جامعه مدت‌هاست که گوشت را در سفره‌های خود نمی‌بینند و با شرایط سختی زندگی می‌کنند. به همین دلیل اگر وضعیت کشور به همین صورت باشد و تغییری در وضعیت زندگی مردم صورت نگیرد امید چندانی به حضور پررنگ مردم در پای صندوق‌های رای وجود نخواهد داشت. امروز با توجه به شرایط کشور کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی به دنبال این هستند که میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری به چه صورت خواهد بود تا درباره آینده تحلیل کنند. واقعیت این است که جامعه ایران از نظر رفتارشناسی سیاسی به حد اشباع از وعده‌ها رسیده است. به همین دلیل دیگر سخنرانی کردن و دادن وعده نمی‌تواند مردم را به پای صندوق‌های رای بکشاند. امروز مردم می‌دانند کسانی که قبل از انتخابات وعده‌های بزرگ و غیرواقعی می‌دهند تنها به فکر پیروزی در انتخابات هستند و نه تحقق خواسته‌های مردم. از هر فرد آگاه به الفبای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در مورد ویژگی‌های ارزیابی و ملاک‌های انتخاباتی سوال شود و در مورد مصداق چهره‌ای از افراد پرسیده شود، فقط به ده‌الی بیست فرد از چهره‌های انقلابی اشاره خواهد کرد که در سطح کشور حدس و گمان‌های ضعیف و قوی اعلام خواهند شد. چهره‌هایی که در طول چهل سال گذشته مشاغل و مسئولیت‌های مختلفی را به عهده داشته و در درجات مختلفی از نظام قرار گرفته‌اند. از رئیس‌جمهورهای سابق، وزرای مختلف، پیشکسوتان جنگ و جبهه، نمایندگان دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، شهرداران و اعضای شوراهای شهر در شهرهای مختلف و اساتید دانشگاه‌ها در زمره افرادی خواهند بود که برای مسند ریاست جمهوری در میدان انتخاب قرار خواهند گرفت. این در حالی است که غیبت فرهنگ تحزب و فقدان مبنای آموزش و تمرین‌های سیاسی باعث شده که همواره در قالب فرد یا افراد مختلف خود را در جایگاه کفالت مردم قرار داده و نسبت به معرفی اشخاص برای انتخاب ریاست جمهوری اقدام می‌نمایند. تمرین مردم‌سالاری به‌ویژه در انتقال آموزه‌های دموکراتیک باید در دانشگاه‌ها و مرکز آموزشی سطوح عالی صورت پذیرد تا جوانان و نیروهای بالقوه سیاسی و اجتماعی آمادگی‌های لازم را کسب نمایند. فرایند فرسای میجاری و سکوهای مجاز سیاسی بحث‌ها و تحلیل‌های لازم اجرا شوند تا علوم و تجارب سیاسی را به مدیران آینده کشور منتقل نمایند. متأسفانه در دوران حاضر مخصوصاً ده سال گذشته فقط در حد اکثر یکسال به انتخابات مانده تبلیغات به صورت انبوه صورت گیرند و فراط در تبلیغات مختلف در کنار هزینه‌آفرینی‌های متعدد نه تنها اهداف مطلوب را محقق نمی‌نمایند بلکه موجب دلزدگی نیز می‌شوند.

امروز با توجه به شرایط کشور کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی به دنبال این هستند که میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری به چه صورت خواهد بود تا درباره آینده تحلیل کنند. واقعیت این است که جامعه ایران از نظر رفتارشناسی سیاسی به حد اشباع از وعده‌ها رسیده است. به همین دلیل دیگر سخنرانی کردن و دادن وعده نمی‌تواند مردم را به پای صندوق‌های رای بکشاند

کوچک و کوچک تر شدن سفره‌های اکثریت مردم اعلام نمایند. این در حالی است که مهاجرت درآور نخبگان از جمله پزشکان و پرستاران و سایر اقشار مورد نیاز جامعه نیازمند برنامه‌های کاربردی هستند. مردم از شعار خسته‌اند و منتظر گام‌های اجرایی هستند.

کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری به چه میزان در زمینه چالش‌های اجتماعی دارای ایده و برنامه هستند؟

هنوز برنامه‌ای در این زمینه از سوی کاندیدای ریاست جمهوری دیده نشده است. البته با توجه به انتخابات ناگهانی این موضوع زیاد غیرطبیعی نیست هرچند اگر احزاب به صورت جدی در ایران فعالیت می‌کردند در چنین مقطعی با چنین چالش‌هایی مواجه نمی‌شدیم. امروز به‌طور متوسط در هر خانواده یک جوان تحصیل‌کرده و بیکار وجود دارند که با خطر افسردگی اعتبار و مهاجرت اجباری روبه‌رو هستند. سوال این است که برنامه‌های آقایان بر اشتغال‌زایی و کارآفرینی چیست؟ کارآفرینی با یک میلیون تومان دیگر طرز بودن خود را از دست داده و باید چاره دیگری اندیشیده شود.

اعتیاد به اقام جدید و خطرناک کاهش سن اعتبار به ۱۴ سال باید به‌طور جدی مورد بررسی قرار گیرند. نکته مهم اینکه برای رضای خدا و شادی ارواح شهدا مخصوصاً شهدای خدمت شهید رئیسی از کاسی بانام و راه و مرام این معاصر شهید رجایی و شهید باهنر تفاوت‌های فاحش نموده‌اند و به همین دلیل دیگر با عمل و منطق باید آنها را متقاعد و مجاب نماییم. واقعیت این است که کار دشوار و انتخاب سخت‌تر است. به همین دلیل نیز در مورد ارزیابی

در شرایط کنونی اصلاح طلب یا اصولگرا بودن کاندیدای انتخاباتی حائز اهمیت نیست و بلکه آنچه اهمیت دارد تحقق خواسته‌های مردم است. امروز بخش‌هایی از جامعه مدت‌هاست که گوشت را در سفره‌های خود نمی‌بینند و با شرایط سختی زندگی می‌کنند

تحلیل‌های جامعه‌شناسانه از روند مشارکت در انتخابات جاری

از «جامعه‌بی‌اعتنا» تا «دو جامعه‌ای»

سه انتخابات اخیر در ایران با پایین‌ترین نرخ مشارکت مردم مواجه بوده است. از جمله دلایل کاهش مشارکت را می‌توان ردصلاحت‌ها، افزایش اعتراضات مردم به مسائل اجتماعی و اقتصادی، تنزل وضعیت معیشتی مردم در سال‌های اخیر و ناامیدی بخشی از جامعه از نهادهای انتخابی دانست. در انتخاباتی که قرار است به زودی به دلیل درگذشت ناگهانی رئیس‌جمهور برگزار شود اوضاع تغییر کوچکی کرده است. جریان اصلاحات (یادست‌کم بخش مهمی از آن) که در سال‌های اخیر از صندوق رای دلسرد شده بود پیش از انتخابات سه کاندیدای اصلی خود را معرفی کرد و اعلام کرد در صورت عدم تأیید صلاحیت این سه کاندیدا، در انتخابات مشارکت نخواهد کرد. در کمال تعجب یکی از این سه کاندیدا تأیید صلاحیت شده است. سوال اینجاست که آیا این وضعیت برای قانع کردن مردم جهت حضور در پای صندوق رای کافی است؟ دو استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران به این سوال پاسخ داده‌اند: محمدرضا جوادی یگانه، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران معتقد است جامعه ایران «دو جامعه‌ای» شده است.

جامعه ایران دو جامعه‌ای شده است

یک استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران اظهار داشت: انتخابات، به‌ویژه انتخابات ریاست جمهوری، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جمهوری است. خواست مردم از دوره مشروطه این بوده که حاکمانشان را خودشان انتخاب بکنند. جوادی یگانه گفت: کاهش مشارکت در سه انتخابات اخیر، موضوع نگران‌کننده‌ای است و برایش دلایل متعددی وجود دارد. او می‌گوید: مهم‌ترین دلیل این بود که بخشی از جامعه که به امید تغییر رای می‌دادند، از اینکه تغییری ممکن بشود یا اینکه کاندیداها بتوانند نمایندند این تغییرات باشند، ناامید شدند. او از تعبیر «دو جامعه‌ای شدن جامعه ایران» حرف زده و افزود: این یعنی بخشی از جامعه عادلانه و به‌دست خود، گروه‌های سیاسی موجود راها کرده و دیگری رای نمی‌دهد. وی به یک بهبود و افزایش میزان مشارکت را در انتخابات مجلس نسبت به ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اشاره و تأکید کرد: «منظور فقط درصد رای نیست»، بلکه امید به امکان تغییر هم هست، و این بهبود مشارکت لاقول در شهرستان‌ها رخ داده و چند درصدی از مردم رای داده‌اند، اما این ناشی از فرق انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بوده است. جوادی یگانه عنوان کرد: کماکان برآورد‌ها در مورد مشارکت در انتخابات چیزی حدود ۵۰ درصد یا اندکی پایین‌تر یا بالاتر از ۵۰ درصد است. فضای سیاسی بعد از درگذشت مرحوم ابراهیم رئیسی و گفت‌وگوی سیاسی به دلیل ناگهانی شدن انتخابات در افکار عمومی شکل نگرفته است. این استاد جامعه‌شناسی با بیان اینکه درصدی از جامعه، به‌صورت سنتی رای می‌دهند و پایگاه رای‌شان مشخص است تصریح کرد: کسانی که در این دوره‌ها رای نداده‌اند و عدم مشارکت آن‌ها نرخ مشارکت را پایین آورده، نوعاً ناراضی‌اند؛ از کسانی که به آن‌ها رای داده‌اند، یعنی اصلاح طلبان، که به وعده‌هایی که داده‌اند عمل نکرده‌اند. این‌ها حس می‌کنند از اعتمادشان سوء استفاده شده است. او در یک تقسیم‌بندی بسیار کلی می‌گوید: در میان کسانی که رای می‌دهند هم اصلاح طلب داریم هم اصولگرا قاعدتاً همه اصولگرایان رای خواهند داد. اما در همین تقسیم‌بندی کلی، تعداد زیادی از اصلاح طلبان هنوز متمایل به رای دادن نشده‌اند و نزدیک دارند که اصلاح از طریق صندوق ممکن باشد. برخی بنا بوده به احمدی‌نژاد رای بدهند و اگر جایگزین مناسبی برای او در این شش‌نمزد پیدا نکنند رای نخواهند داد.

جامعه انتظار تغییر دارد

یک جامعه‌شناس بیان کرد: اکثریت جامعه از گروه‌های سیاسی عبور کرده و نارضایتی‌ها در حال افزایش است. این اکثریت می‌گوید همه چیز روی دوش من افتاده، پس چرا باید مشارکت کنم و این گروه‌ها که به مشکلات من توجهی ندارند را حمایت کنم؟ تقی آزاد رزمکی با بیان اینکه جامعه ایرانی «جامعه بی‌اعتنا و عبور کرده از گروه‌های سیاسی» است، اظهار کرد: هنوز این ویژگی سرچایش است و این استدلال را تکرار می‌کند. بخشی از مردم می‌گویند رای نمی‌دهیم، البته همین‌ها ممکن است روز آخر رای بدهند، اما داور کلی این است که گروه‌های سیاسی نمی‌توانند چیزی را حل کنند و برای مشارکت نمی‌کنیم. وی افزود: آنچه احتمالاً در حال وقوع است این است که حوزه سیاسی، دوگانه طرفداران وضعیت موجود و تغییر وضع موجود ایجاد شود. یعنی پزشک‌ان بتوانند نمایندند تغییر شود و بقیه کاندیداها طرفدار استمرار وضع موجود، احتمالاً جامعه برای تغییر حساس می‌شود و از کاندیدای تغییر حمایت خواهد کرد. این استاد علوم اجتماعی از آذان کرد: جامعه انتظار تغییر دارد. در این ۱۵ ساله همیشه دنبال تغییر بوده‌است.